



روزنامه شرق

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند،کوچه آرشدیا، پلاک ۶ تلفن: ۰۲۲۰۸۸۶۵۴۳۹۰ نامبر: ۰۷۱۹-۸۸۸۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳ توزیع شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰ چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۷ www.sharhgdaily.ir

تهران : اذان ظهر ۱۱:۴۸ اذان مغرب ۱۷:۲۴ اذان صبح فردا ۵:۰۶ طلوع آفتاب ۶:۳۱

محرمانه

اولین تکیه عزاداری تهران



احمد مسجدجامعی

● در زندگی امروز مردم ایران چند آیین بزرگ وجود دارد که همه کشور را تحت‌تاثیر قرار می‌دهدو فضای شهرها و روستاها را تغییر می‌دهد. آیین‌های عزاداری مرتبط با ماه محرم و به خصوص مراسم عزاداری تاسوعا و عاشورا از بزرگ‌ترین آیین‌هاست. در جهان امروز اهمیت آیین‌ها در زندگی بیشتر شناخته شده است و کشورهای صاحب آیین‌های کهن تلاش می‌کنند، با روش‌های مختلفی آیین‌های کهن را احیا کنند، در حالی که آیین‌های مرتبط با محرم در کشور ما زنده است و در زندگی ما تاثیر می‌گذارد. این تاثیر را از همین اسبب در خیابان‌ها و خانه‌های مردم می‌توانیم ببینیم. آیین آیین‌ها اگر چه هنوز زنده و پابرجا هستند، اما در طول زمان تغییر کرده‌اند. ۵۰-۷۰ سال پیش تهران، ۵۰ تا ۷۰ تکیه داشت. مردم از نخستین روز محرم در تکیه‌ها گردهم می‌آمدند و به عزاداری برای امام‌حسین(ع) می‌پرداختند. اگرچه سوگاری برای امام گسترش یافته است، اما در طول زمان با تغییر و تحولاتی رویه‌رو بوده است. امروز اگرچه مساجد و حسینیه‌ها جای تکیه‌ها را گرفته‌اند، اما زمانی تکیه‌ها رونق زیادی داشتند. در تکیه‌ها در آغاز در ایران کارکرد دیگری داشتند. در دوره صفویان برای نخستین‌بار تکیه‌ها کارکرد عزاداری برای امام‌حسین(ع) پیدا کردند. سلسله صفویان به دلیل تبار صوفیانه‌ای که داشتند، در آن دوره صوفی‌اند در تکیه‌ها به عبادت و آیین‌های صوفیانه می‌پرداختند، اما کم‌کم به‌خاطر علاقه و الفتی که صفویان به اهل‌بیت داشتند، کارکرد تکیه‌ها دگرگون و به مکانی برای سوگویی اهل‌بیت به‌ویژه در ماه محرم تبدیل شد. با اینکه در کتاب‌ها نام تکیه دولت بیشتر تکرار شده است و به‌خاطر ارتباطش با حکومت، مشهورتر است، اما سابقه تکیه‌های تهران نیز به دوره صفویه می‌رسد. شاید قدیمی‌ترین تکیه تهران «تکیه‌خلو» باشد که بعد از حصارکشی اطراف تهران توسط شاه طهماسب صفوی ساخته شد. حصارکشی اطراف تهران یکی از اقداماتی است که باعث آبادانی و گسترش این شهر شد. آبادانی تهران باعث شد که بناها و نهادهای مختلفی در آن ساخته شود. خواهر شاه طهماسب صفوی در تأسیس این بناها و نهادهای فعال بود. ساخت مدرسه، تکیه و حمام برای اهالی تهران از کارهای او بود که هر سه به نام او مشهور شده‌اند. تکیه خلوم، مدرسه خلوم و حمام خلوم.

اطلاعات زیادی از این تکیه در دست نداریم، اما می‌دانیم که ایسن تکیه در اطراف بازارچه نایب‌السلطنه در خیابان پانزده‌خرداد کنونی واقع شده بود.

شاید این سال پیش بنیاد که چرا خواهر شاه در جامعه مردسالار آن روز ایران تکیه ساخته است و چرا به‌جای مسجد در شهر تکیه ساخته است؟ بررسی این موضوع جای بحث فراوان دارد، اما کمتر در این زمینه بحث شده است و نیازمند فضای دیگری است. با اینکه در منابع از تکیه خانوم به‌عنوان قدیمی‌ترین تکیه تهران یاد شده است، اما قدیمی‌ترین تکیه پابرجایی که در اطراف تهران می‌شناسیم، در نقرآباد واقع در منطقه شهرری امروز ساخته شده است. هنوز هم پس از گذشت بیش از ۲۷۰ سال، خیمه سفیدرنگ تکیه بزرگ و تاریخی نقرآباد در اول ماه محرم با اعیان‌سود و امیدوارم که امروز خیمه این تکیه‌بالا باشد. در این تکیه هیاتی قدیمی با نام حضرت‌علی‌اکبر(ع) عزاداری می‌کنند. اما مردم این تکیه‌ا همچنان با نام نقرآباد می‌شناسند.

درباره این تکیه اهالی نقرآباد حیات‌های گوناگونی دارند. وقف‌نامه‌ای درباره این تکیه موجود است که نشان می‌دهد، ایسن تکیه در سال ۱۰۶۰ هجری قمری ساخته و بارها در طول زمان تعمیر و مرمت و بازسازی شده است، اما حتی قدیمی‌ترین نقرآبادی‌ها هم نمی‌دانند چند سال این اتفاق افتاده است. محله نقرآباد در ضلع جنوب‌شرقی حرم حضرت عبدالعظیم قرار دارد و هسته اولیه شهرری امروز است که پایه آن در زمان شاه طهماسب محمّد گشاسته شد. تکیه نقرآباد در مرکز این محله واقع شده است. سردر تکیه کاشیکاری است. روی این کاشیکاری‌ها لحظه شهادت حضرت علی‌اکبر(ع) نقش بسته است. نمای بیرونی دیوارها آجری است. در فاصله دومتری از زمین قلاب‌های گردی نصب شده‌اند که یک سر آن درون دیوار فرو رفته است. وقتی چادر خیمه برپا می‌شود، طناب آن را به این قلاب می‌بندند تا چادر از هم‌سوی مهار شود.

دور تا دور صحن شبستان سکویی به ارتفاع ۴۰ سانتیمتر و عرض سمنتر برای نشستن عزاداران وجود دارد. مساحت شبستان ۴۰۰ مترمربع است که با توجه به جمعیت آن روز فضای بزرگی است. بنای شبستان دوطبقه است که در گذشته زن‌ها مراسم تعزیه‌نحوای را از طبقه بالا تماشا می‌کردند. یک مراسم قبل از انقلاب به مدت یک‌دهه هرگز می‌شد. یک ستون چوبی به ارتفاع ۱۰متر چادر خیمه را نگه می‌دارد. چادر سفید خیمه کار هنرمندان اصفهانی است. این بنا در سال ۱۳۴۲ بازسازی شده است. اما فقط ستون‌های چوبی جای خود را به تیر آهن‌ها دادند تا همان شکل قدیمی تکیه حفظ شود. سقاخانه معروف و قدیمی نقرآباد به نام سقاخانه حضرت (الباقی‌لل‌ح) همچنان در کنار تکیه قرار دارد.

علاوه بر ایام سوگاری ماه محرم و مراسم‌های مذهبی دیگر، تکیه نقرآباد در هر شب جمعه برنامه دارد و از عزاداران به همان روال قدیم با آنگوشت پزیرایی می‌شود. مراسم عزاداری در این حسینیه شامل: تعزیه‌خوانی، نوحه‌خوانی و سینغزانی است.

با حال‌وهوای این روزهای «پرویز کلانتری»

پیراهن نقاش بر قاب «شبانه‌ها»

عسل عباسیان

«سال‌ها پیش کودکی با قطعه زغالی نوی کوچه روی دیوار خانه‌شان نوشت: اگر می‌خواهی مرا بشناسی سر این خط را بگیر و بیا. او خط را پیچاند و پیچلد و رفت روی دیوار کناری و بعد روی دیوار همسایه، رفت تا انتهای کوچه و خط را ادامه داد تا کوچه‌های بعدی تا اینکه ناگهان متوجه شد در یک محله غریبه گم شده است. شروع کرد به گریه و زاری چون گم‌شده بود. البته طبیعی بود که سر آن خط را دوباره بگیرد و برگردد سر جای اول. ولی از آنجا که خط را در هم پیچانده بود دیگر نمی‌توانست این کار را انجام دهد. حالا ببینیم قضیه چه بوده است؟ اصلا کسی قرار نبود این بچه را بشناسد که سر آن خط را بگیرد و آن را دنبال کند تا بداند این بچه کیست در واقع معنای روانشناختی این کار چنین است که این بچه می‌خواست خودش خودش را بشناسد و در وادی خودشناسی بود که رفت و گم شد. حالا سال‌ها گذشته است و من همچنان او را می‌بینم که در حال خط کشیدن است تا خودش را پیدا کند»

اینها معرفتی «پرویز کلانتری» از زبان خود اوست. هنرمندی که دو شب گذشته در فرهنگسرای صبا از طرف سایر هم‌صنفاش تجلیل شد، به بهانه یک عمر فعالیت در حوزه تصویرگری کتاب کودک، برنامه‌ای که خودش درباره آن می‌گوید: «پریش برنامه باشکوهی در فرهنگسرای صبا برگزار شد به بهانه ششمین دوسالانه تصویرگران کتاب کودک و از من به‌عنوان قدیمی‌ترین هنرمند این رشته تجلیل شد که یک لوح یادبود به من هدیه داده شد به افتخار یک عمر تلاش برای ادبیات کودک.» به همین بهانه با این پیشکسوت ۸۲ساله گفت‌وگویی درباره حال‌وهوای این روزهایش داشته‌ام که در ادامه آن را می‌خوانید:

نقش «شبانه‌ها» بر دیوار «بوم»

از «پرویز کلانتری» درباره حال‌وهوا و مشغولیت‌های این روزهایش می‌پرسم و او بدون مکث پاسخ می‌دهد: «این روزها شدیداً درگیر برگزاری یک نمایشگاه هستم؛ نمایشگاهی که خیلی برایم جدی و مهم است. قصه از این قرار است که مجموعه‌داری، یک گالری تأسیس کرده که کارش کمی متفاوت است. این گالری یا نام «گالری بوم» آثاری را به نمایش می‌گذارد، بدون آنکه قرار باشد این آثار فروخته شوند. در واقع صاحب گالری «هاشمی‌نیا» یک مجموعه‌دار معتبر است که آثار مجموعه شخصی‌اش را رهاز چندگاه به‌نمایش می‌گذارد. این مجموعه‌دار از من هم مجموعه‌ای خریداری کرده که همین جمعه یعنی ۱۷ آبان ساعت ۱۷ نمایش داده می‌شود.» کلانتری نشانی را هم دقیق می‌دهد: «خیابان ولیعصر، بالاتر از نباش، ارمغان غربی، پلاک ۱۱.» او درباره اهمیت کار ایسن گالری و این نمایشگاه می‌گوید: «ایسن گالری‌دار پیش‌تر نمایشگاهی از آثار «عباس کیارستمی» نیز برپا کرده بود، اما اهمیت کار او در این است که آثار به نمایش درنیامده هنرمندان را با هزینه شخصی‌اش می‌خرد و به نمایش می‌گذارد. هفت اثر جدید و متفاوت از من در این نمایشگاه به نمایش درمی‌آید. آثاری با رنگ آبی

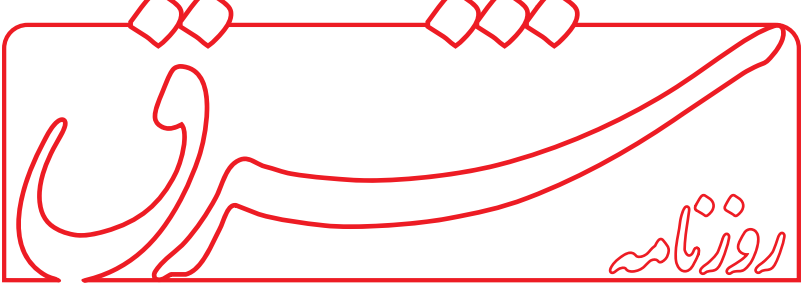
برداشت آخر

گزارشی از یک شب شعر در حاشیه «کارون»

شعری برای «شط»

شرق: آنجا که پشت کارون با یک مصوبه دولت دهم در حال خمیده‌شدن است، شاعرانی جمع شده‌اند تا از رودخانه‌ای بگویند که اگر چه زنده‌کننده امپراتوری‌ها و دولت‌ها و مردمی بوده، حالا خود قرار است نکه‌نکه شود و آب کم‌مقشر در رگ‌های باریک‌تر از مو، به شهرهای کم‌آب دیگری روانه باشد. اما چطور می‌شود که نجات‌دهنده و زنده‌کننده خود با مرگ دست‌وپنجه نرم می‌کند؟ چگونه می‌شود، کارون را که خود لاقل در دهه اخیر، پیش‌مرگ عطش خوزستان بوده جرحه‌جرحه به جایی فرستاد که مقصد تاریخی‌اش آنجا نبوده؟ اعتراض‌ها به این مصوبه دولتی هفته‌هاست که آغاز شده و حالا شاعران خوزستانی هم از گوشه و کنار ایران به همسایگی این شط پرخارخر و دل‌نگران رفته‌اند تا صدای اعتراضشان را لابه‌لای بیت‌ها و بندهای شعرشان به سوی ساحل کارون فریادکشند.

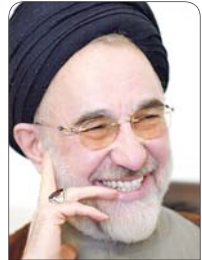
شب شعر «از کارون تا زندگی» جایی نبود برای گردهم‌آمدن شاعران خوزستانی تا شعرهایی برای بستر تب‌کرده و بحرآن‌زده کارون خوانده شود بلکه دولت جدید دریابد، حتی شاعران نیز راضی به انتقال آب از سرچشمه‌های کارون نیستند چرا که این بستر به نیمه رسیده، دیگر توان آپ‌رسانی به کویرهای دیگر را ندارد، جانی ندارد که بخواد بر سر چراغی بگذارد که به مسجد حرام است. شاعران خوزستانی در کنار هنرمندان و فعالان محیط‌زیست شب دوشنبه در کنار رودخانه پرخارمشان جمع شدند و در شعرهایشان از گر‌خوردگی تاریخ خوزستان با آب کارون گفتند و از تاثیر اجتماعی فراوانی که این رودخانه بر مردم این سرزمین باستانی گذاشته



سه شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۲ ۱ مهر ۱۴۳۵ ۵ نوامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۷۴ ۱۶صفحه

«سیده‌محمد خاتمی» به تماشای ۲ نمایش نشست

شرق: «سیده‌محمد خاتمی» در کنار هیات همراه خود به تماشای نمایش‌های «روایت ناتمام یک فصل معلق» و «قرار» در تالار حافظ نشست. «روایت ناتمام» به نویسندگی و کارگردانی «هومن سیدی» و «قرار» کاری از «سیامک احصایی» ، تا هفته دیگر در تالار حافظ روی صحنه هستند. در نمایش «روایت ناتمام» بازیگرانی چون باران کوثری، علی سربای، آزاده صمدی، نوید محمدزاده و... حضور دارند و در نمایش «قرار» هانیه توسلی و علی سربای به ایفای نقش می‌پردازند.



از هر نظری‌ضرر

سازمان میراث انحرافی و گردگیری



پوری‌یا عالمی

● جامعه باستان‌شناسی ایران در یادداشتی خطاب به رییس سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری گفته به میراث فرهنگی کشور - به همت دولت گذشته- هیچ امیدی نیست چون هیچی ازش نمانده. بعد هم توصیه‌ها و راهکارهایی ارائه کرده‌اند.

جامعه گذشته باستان‌شناسی:دستشان هم درد نکند. ولی ما تعجب می‌کنیم که هنوز جامعه باستان‌شناسی ایران وجود دارد. چون نوی این چندسال گذشته هر جامعه و نهاد و انجمنی بود از هم ترکانده شد. بعد هم به‌نظر ما رسماً باید میراث‌فرهنگی را بی‌خیال مدیریتش، به‌جاش باید از سرمایه و میراث عظیمی که دولت نهم و دهم از خودش به‌جا گذاشته بهره‌برداری کنیم. حتی پیشنهاد می‌کنیم سازمان میراث‌فرهنگی و گردشگری را منحل کنیم و به‌جای آن سازمان میراث انحرافی و گردگیری را جایگزین کنیم. **سازمان میراث انحرافی:**در این سازمان باید از رانت‌هایی که جریان انحرافی نوی جریانش بود و هست محافظت کنیم تا از بین نرود و آقا‌زادگان مرتبط چشم نخورند.

سازمان گردگیری:وظیفه سازمان گردگیری نیز این است که دستمال گردگیری بردارد و تا آنجا که می‌تواند اثرات مدیریتی و سوءعدیریتی پیشینیان را از همه‌جا گردگیری کند. **پیشینیان:**بعد هم واقعا ما تا چندوقت پیش می‌گفتیم پیشینیان، منظورمان سده چهارم، پنجم، ششم، هفتم و نهایتاً هشتم هجری شمسی بود. ولی امروزه اگر کسی از آثار عجیب برجامانده از پیشینیان نام می‌برد، منظورش همین چندماه پیش از انتخابات است.

شفا در انهدام:استش را بخواهید ما به قول قفروع که می‌گوید پدر به فلسفه معتاد است و شفای باغچه را در انهدام باغچه می‌داند، ما هم معتقدیم که برای شفای اوضاع میراث‌فرهنگی و گردشگری باید میراث‌فرهنگی را تمام و کمال از بین برد. همچنین همه جاهایی که می‌شود گردش رفت - مثل پارک ساعی و ملت و دربند و درک - با همه جاهایی که می‌شود توریست برود- مثل اصفهان و شیراز و تهران و تبریز- همه‌ومه را از بین برد تا کار یکسره شود و خلاص.

دکه

جان گرفتن دوباره معماری در یک نشریه تخصصی



● نام‌نشریه: ایران آذین تاریخ انتشار: نیمه مهر ۹۲ حوزه انتشار: ماهرلمه طراحی، معماری و آرایه داخلی سردبیر:مسعود مرعشی قیمت:۴۰۰۰ تومان تعداد صفحات: ۱۱۰ صفحه **مطالب مهم:** به نام نارمک خانه رویایی‌ام/ نوشته مهدی زندانی‌خرم/صفحه ۱۷ ساختمان تماشاگاه پول‌از نگ‌احمدمحیط‌طباطبایی /صفحه ۳۰ هزارویک مجسمه به سبک گائودی/ نوشته شرمین نادر/ صفحه ۳۶ نقدی بر دکور برنامه مامعلل ۹۲/ صفحه ۷۴ گزارش یک دانشجوی فرنگشین از موزه «گتی»/ به قلم نیما دهقانی/صفحه ۷۶ **مطلب پیشنهادی «شرق»:** گپ‌وگفت اندیشه فولادوند با بابک شگوفی درباره معماری سینما آزاد/ صفحه ۲۴

آموزشگاه آزاد سینمایی موج‌نو

بامجاز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۳۹۰/۶/۱۵

مدیر مسئول و مدیر آموزش: هوشمند ورعی

سایت موج نور ا دیده اید؟

www.mojenofilmschool.com

یاد استاد

برای «مجید امین مویّد» که این روزها در بستر بیماری است

قلب ما برایش می‌تپد

آن کارستان‌ها که کرده فروتن است و کمتر از خود می‌گوید.

چنانکه در سال‌های اخیر، با اینکه از کار و عشق دست نکشید، کمتر نامی از او در جایی بوده و یکی از کمترین به‌روران از وجود فیاض که من باشم، چه بگویم؟ محض نمونه دو، سه‌سال پیش که برای احوال‌پرسی خدمت‌شان رسیدیم، ترجمه انقلاب کبیر فرانسه را به من هدیه دادند. استاد اگر تقدیم، مجید امین مویّد، اکنون در بیمارستان بستری است و قلب من و دیگر دوستان‌اش برای او می‌تپد. هر چند ایشان برای غم نان شغلی بی‌ارتباط با ترجمه پیشه کرده بود و به‌صورت حرفه‌ای کار نمی‌کرد، اما آثاری که تا کنون ارائه داد، چه از نظر کمی چه کیفی کم نیست. به‌علاوه از قدیمی‌ترین مترجمان ایران است. از جمله آثار برجسته ایشان به سلیقه من:

- چشم‌اندازی از پل (آرتور میلر)
- جادوگران شهر سیلم (آرتور میلر)
- حادثه در ویشی (آرتور میلر)
- آدم، آدم است (برتولت برشت)
- دایره گچی قفقازی (برتولت برشت)
- سیری در اندیشه‌های برشت
- ماجرای نیمه‌شب (شون اوکیسی)
- مادر (برل باک)
- مرگ آرام (سیمون دیوبوار)
- تاریخ اجتماعی هنر - ۴ جلد (آرنولد هاوزر)
- مردگان
- جیمز جویس)
- رابطه هنر و واقعیت (چرنیشفسکی).

«مجید امین مویّد» این آذری مرد شیرین‌زبان

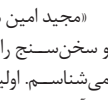
و سخن‌سنخ را از سال‌های دهه ۴۰ از راه قلم می‌شناسم. اولین‌بار ترجمه او را از چشم‌اندازی از پل آرتور میلر، نمایش‌نامه‌نویس نامدار آمریکایی در «کتاب هفته» آن سال‌ها خواندم که خود دالستان دیگری دارد و در جای دیگر هم گفته‌ام. باری، همین «کتاب هفته» ما را با ترجمه‌های ایشان و نجف یاباندی و بسیاری بزرگان دیگر آشنا کرد. بعدها در دوره دانشجویی اولین‌بار با قلم ایشان با آثار برتولت برشت آشنا شدیم. تا دور روزگار در دهه ۵۰

ما را به استاد رساند و چند سالی در خدمتشان از تاریخ جنبش‌های سیاسی ایران نکته‌ها آموختیم و اصل انگلیسی چهار جلدی تاریخ اجتماعی هنر، نوشته گرانقدر آرنولد هاوزر را با تشویق و راهنمایی ایشان خواندیم.

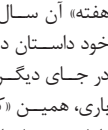
استاد همیشه شوخ‌طبع و طنزپرداز و نکته‌گو بودند، به‌نحوی که به شنونده برنخورد و به خود بخندد. ظرف سالیان معاشرت تا امروز از او نشنیدم که در سال‌های ۳۷ و ۳۸چندماه به‌اصطلاح زیر اعدام بوده و در دوره نخست‌وزیری نسبتاً گشاده دکتر امینی (زمانی که من هنوز دانش‌آموز بودم) از حکم اعدام رهایی پیدا کرده و با یک‌درجه تخفیف به حبس زندانی‌کشیدن(۱۸ سال) بی‌خبر بومد و تصور این بود که چندبار محکومیت‌شان (نمایش در رژیم شاه) به هفت، هشت‌سال برسد. بس که این مرد دانشور با



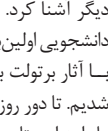
مهدی غبرایی



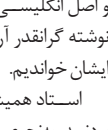
مهدی غبرایی



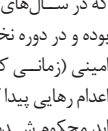
مهدی غبرایی



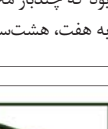
مهدی غبرایی



مهدی غبرایی



مهدی غبرایی



مهدی غبرایی



مهدی غبرایی



استرداد